

فرهنگ

ضرب المثل های

پرتغالی، فارسی

(ویرایش فارسی)

علی اکبر عابدیان کاسگری

عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۳۷	سرشناسه:
فرهنگ ضرب‌المثل‌های پرتغالی-فارسی (ویرایش فارسی)/	عنوان و نام پدیدآور:
مولف: علی اکبر عابدیان کاسگری	
تهران: دگراندیشان، ۱۳۹۵	مشخصات نشر:
۴۳۲ ص.	مشخصات ظاهری:
۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۰-۵-۳	شابک:
فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی:
ضرب‌المثل‌های فارسی	موضوع:
Proverbs, Persian	موضوع:
ضرب‌المثل‌های پرتغالی	موضوع:
Proverbs, Portuguese	موضوع:
PIR۳۹۹۶/ع۲ف۴ ۱۳۹۵	رده‌بندی کنگره:
۹۴/۳۹۸	رده‌بندی دی‌بی:
۳۳۶۹۰۴۶	شماره شابک ملی:

فرهنگ ضرب‌المثل‌های پرتغالی-فارسی (ویرایش فارسی)

مولف: علی اکبر عابدیان کاسگری

ناشر: دگراندیشان

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کین

بها: ۲۰ هزار تومان

ISBN: 978-600-96580-5-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۰-۵-۳

تهران: صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۵۷۱



صفحات ۱ ~ ۳۲۰

ضرب‌المثل‌های پرتغالی-فارسی

صفحات ۳۲۳ ~ ۳۵۰

منابع فارسی

صفحات ۳۵۳ ~ ۳۵۶

منابع غیر فارسی

باورهای مردمی مجموعه‌ای از میانی رفتاری توده‌های مردم هستند که پیچیدگی و ابهام نداشته و عموماً راهنمایی‌هایی برای تبیین باورها تلقی می‌شوند که به سادترین شکل بیان شده و به صورت کلی امثال و حکم نامیده می‌شوند. خصلت ذاتی ادبیات عامه موجب می‌شود که امثال و حکم به دلیل انطباق با دریافت عمومی به ادبیات نفوذ کرده و رایج شوند، در غالب اوقات مبدع و منشأ امثال و حکم از حوزه توجه خارج شده اما اصل مطلب در اذهان باقی مانده و حداقل به‌صورت انشادی به زندگی خود در ادبیات عامه ادامه داده است.

فرهیختگان جامعه پارسی‌گوی نیز به مند صنایع مختلف نثر مسجع و نظم، سباه طولایی از حکمت‌های تجربی توده‌ها را در قالب جملات اندرزی^۱، تشبیهات^۲، اصطلاحات و عبارات کنایی^۳، و گونه‌های دیگر همانند تلمیحات به پیکره ادبیات عمومی زبان فارسی افزوده‌اند.

امثال و حکم

من این مثل که بگفتم ترا نکو مثلست مثل پسته بود هوشیار مردان را (ناصرخسرو)
امثال و حکم یکی از مراجع و ارکان معتبر ادبیات هر زبان و یکی از کهن‌ترین اشکال ادبی است. بارات کوتاه امثال و حکمی بازتاب فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی توده‌ها به شمار رفته. حکایت از تجارب طولانی مردم دارند و در هر قالبی اعم از هزل و طنز و انتقاد و حیات عمار اجتماعی، شیوه زیست و عقاید و رسوم سخنوران محدوده زبانی را بیان نموده و کاربرد زبان را از مکار بستن تعبیر طولیل و احتجاجات نارسا و فرسایشی رها شده و سخن سخت را به پیای فصیح^۴ می‌نمایند. امثال، جمع مثل و مثل در زبان عربی به معانی همتا و مانند، برهان، دلیل، مطلق، سخن، و پند و عبرت به‌کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل مثل).
مثل‌ها ریشه در حکایات^۵ می‌آیند و در قالب‌های متفاوتی به‌کار می‌روند. گذشتگان فارسی‌زبان مثل را یکی از اقلام بیمه^۶ و چهارگانه ادب می‌شمردند و با استفاده از صنایع گوناگون، ارسال‌مثل را در ادبیات خارسته و با استفاده از ارسال‌مثل و مطالب حکیمانه به آرایش کلام و تقویت بنیه سخن پرداخته و به مدای سخن شاهی می‌آوردند.^۷
ابو عبید قاسم بن سلام، در سده سوم قمری، سخن را از زبان سخن‌پندآمیز اعراب عصر جاهلیت دانسته که مقصود را به‌واسطه کنایه ادا می‌کرد. ضرب‌المثل را دارای سه ویژگی اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه می‌داند (طی، المزهرة، ۴۸۶/۱).

^۱ اندازه نگهدار که اندازه نکوست

^۲ مثل طیل تهی

^۳ رفت ابروش را درست کند چشمش را کور کرد

^۴ «گاه باشد که آوردن يك مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقام و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله بلند» همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، ۱۳۶۷.

بهمینار معنی اصطلاحی مثل را اینگونه تعریف کرده است: جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ، روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در موارد مشابه به کار می‌برند (بهمینار، ۵۲).

چگم، جمع حکمت، در زبان عربی به معانی کلام سازگار با حقیقت، کار صحیح، عدالت، علم و برابری به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل حکم)، حکمت مجموعه رفتارهای اخلاقی و فرهنگی توده‌هاست و از خرد جمعی آنها سرچشمه می‌گیرد.

تاریخچه امثال و حکم

در زبان فارسی صناعت نحو، صنعتی مقوم و ریشمدار است، در مقدمه ابن خلدون می‌خوانیم: «و من الغریب الواقع ان حملة العلم فی الملة الاسلامیه اکثرهم العجم ... فکان صاحب صناعت النحو سیویو و الفارسی من بعده والزجاج من بعدهما و کلهم عجم فی انسابهم ... و لم یقم بحفظ العلم و تدوینة الا الاعاجم و ظهر مصداق قوله صلی‌الله‌علیه و سلم لو تعلق العلم باکتاف السماء لنا له قوم من اهل فارس». ممکن است برخی این خرد را بگیرند که منظور عبدالرحمن بن خلدون از عجم، ملت‌های غیر عرب است، اما نه تنها ابن خلدون به صناعت نحو سیویو اشاره دارد بلکه این معنی که امروزه از واژه عجم مستفاد می‌شود در عصر ابن خلدون (سده هشتم قمری) رایج نبوده است: «عجم، مطلق در زبان عرب‌ها ایرانیان بودند، چون و دتر از هر بیگانه‌ای با ایرانی‌ها آشنا شدند، سپس که اقوام بیگانه را دیدند آنها را هم عجم می‌گفتند»^{۱۲}

داستان‌های آینه منظر و منظوم در زبان فارسی پیشینه دیرینی دارند و یکی از شگفتی‌های ادب فارسی، آفرینش‌های ظریف در کمال ایجاز است که از عصر رودکی تا روزگار معاصر با بهره‌گیری از مایه‌های متنوع زبان فارسی و به کمک نوق فارسی‌سرایان در دفتر بی‌بدیل ادب فارسی آفریده شده است. برخی از این حکایات در قالب ضرب‌المثل به زبان‌های دیگر وارد شده‌اند، فیلسوف مشهور قرن نوزدهم میلادی، رالف امرسون (R. W. EMERSON) در پیشگفتار ترجمه گلستان سعدی نوشته است: «منشأ انبوهی از قصه‌ها و ضرب‌المثلهایی که در افواه ما مرهم (غرب) است و آن را نویسندگان جدید نسبت می‌دهیم، از سعدی به ما رسیده است»^{۱۳}

توجه به تزیین کلام از دیر باز مورد عنایت ایرانیان بوده است و این فرهیختگان ارجمند آثار ارزشمندی با رعایت مراتب فصاحت و بلاغت آفریده‌اند. «ایرانیان از زمان قدیم، عنایتی به تزیین ظواهر کلام داشته‌اند و در مکاتیب و رسائل، دیوان و غیر دیوانی اسلوب فنی

^{۱۲} زیدان، جرجی. تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات سیر، ۱۳۷۱.
^{۱۳} برخی از ایران‌شناسان مانند آربری A. J. Arberry این ترجمه به زبان انگلیسی را منشوش می‌دانند. آربری در اثر وزین خود Classical Persian Literature نقد جامعی بر این ترجمه ارائه نموده است.

در سده نوزدهم قمری کتف "مجمع‌الامثال" اثر ابراهیم خالص بوزروجه‌ای رومی است که مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی است. قدیمی‌ترین اثر دوران اخیر، کتاب "امثال" تألیف نویسنده‌ای ناشناس در عصر قاجار است، این کتاب شامل مثل‌های فارسی به ترتیب حروف الفباست و نخستین مجموعه‌ای است که مؤلف آن به گردآوری جمله‌های عامیانه توجه نشان داده است.

در سده چهاردهم قمری نیز کتابی مشتمل بر ۵۰۰۰ ضرب‌المثل توسط علی‌اکبر فرزند علی، نواده قائم‌مقام فراهانی تألیف شد. پس از وی، امیرقلی امینی ۱۰۰۱ سخن را در سال ۱۳۰۳ شمسی در برلین به چاپ رساند و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۵۳ شمسی در اصفهان در دو مجلد به زیور طبع آراست.

یکی از مهم‌ترین آثار اخیر در زمینه جمع‌آوری امثال و حکم، مجموعه چهار جلدی امثال و حکم دهخدا شامل ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج میان فارسی‌زبانان است که در سال ۱۳۱۱ شمسی در تهران به چاپ رسید. عبارت "امثال و حکم" همت و پایمردی این راندرد گرانقدر ادبیات معاصر را در ذهن متبادر می‌سازد و ارجمندی فارسی‌زبانان در گرامر داشت خادمان علم و فرهنگ را یادآور می‌شود. جامعیت مجموعه چهار جلدی امثال و حکم برخی از ضرب‌المثل‌ها را احیاء نمود. این مجموعه غنی دارای حدود ۲۰ هزار عنوان مثلی، کنایه، زیارتی، اصطلاحی و کنایه‌ای است و افزون بر آن، ذیل بسیاری از عنوان‌ها نزدیک به ۱۰ هزار مثل، حکمت، اصطلاح و کنایه، و نیز حدود ۱۲ هزار مورد مستند به شعر شاعران و با نوشته نویسندگان مختلف آمده است. روش کیفی علامه دهخدا در تجميع تشبيهات عادي و ساده به سبك صاحب جامع‌الامثال^۸ و شیوه صاحب جامع‌التمثيل^۹ و همچنین بهره‌رسانی از روش دبیری ابوالفضل بیهقی در توضیح برخی امثال، پایمردی علامه را به سبک‌های موجود در تاریخ ادبیات فارسی روشن می‌سازد.

مطالب این اثر سترگ، به پاسه پای و تاز از اصلی در تدوین این کتاب در مطالعه قیاسی و انطباق با ضرب‌المثل‌های برتعالی است.

فریدون بهمنیار دیگر ادیب فارسی‌زبان است که مجموعه‌ای از وی مشتمل بر ۶۰۴۷ مثل در سال ۱۳۶۱ شمسی تحت عنوان "دایرة‌المنامه بهمنیاری" به چاپ رسید.

احمد شاملو از شعرای معاصر دیگر به فارسی‌زبان است که در زمینه جمع‌آوری ضرب‌المثل اقدام نمود و از سال ۱۳۵۷ شمسی به جمع‌آوری و وزن کتاب کوچه را آغاز کرد. امثال در کتاب کوچه، از دیدگاه فرهنگ عامه و بر اساس مدخل‌های نظم الفبایی خاستگاه‌ها و واژه‌های محوری تنظیم شده و در ۱۱ گروه کلی طبقه‌بندی گردیده است. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نیز اثر مهمی از مهدی پرتوی‌املی است. به توفیق ریشه‌های برخی از ضرب‌المثل‌ها پرداخته است.

^۸ ابوالفضل احمدین محمد نوشابوری

^۹ محمدعلی هبلرودی

در مجموعه حاضر کوشش شده است که ضمن استفاده از متون معاصر به گنجینه گرانبهای متون کهن ادبیات فارسی توجه بیشتری شود، متون کهنی که در رعایت سادگی زبان، روشنی سخن، انسجام کلام و بیان اندیشه نمونه اعلای شیوایی و بلاغت می‌باشند. آثار گرانبهایی که تمثیلات آن، مملو از واژه‌های سنجیده و خوش‌آهنگ، تشبیهات زیبا و دلآویز، ایهامات دقیق و موزون، استعارات لطیف و دل‌انگیز، کنایات بجا و استوار، توصیفات بدیع و خیال‌پرور، اشارات نفز و دلنشین و آرایه‌های لطیف و روح‌افزاست. پر واضح است که ادبیات فارسی یادگارهای پر ارجی برای فارسی‌زبانان و برای همه بشریت به میراث نهاده است، اگر بنا بود که از هر يك از این یادگارها سطری نقل شود چند برابر این مجموعه فراهم می‌شد. البته نمونه‌های انتخاب شده به مثابه مشتّی از خروار است بدیهی است که شاید بتوان نمونه‌های بهتری انتخاب کرد ولی مسلم است که هر انتخابی که به عمل می‌آمد ناگزیر باید از نمونه‌های دیگر صرف‌فطر می‌شد. در انتخاب تمثیلات و قطعات، سعی شده بر مبنای معیاری واحد آن‌هایی انتخاب شوند که همواری و تناسب بین ضرب‌المثل و ارسال‌مثل در آنها رعایت شده و از حیث نگارش به الزامات ادبی غایت داشته باشند.

نکته دیگر آنکه هر چند کوشش شده تا از نقل نابایست نوشته‌ها دوری شود و به اصطلاح ادبا از اطناب اجتناب شود اما هر جا که تمثیل مترادفی در آثار دیگر به‌کار رفته، سعی شده به لحاظ رعایت امانت و همچنین امکان قیاس سبک‌های مختلف، نقل شوند. این شیوه خوانندگان را به سیمه آثار نیز بر می‌انگیزاند.

و اما درباره شعر همان اذعان دارند که گرایش فطری فارسی‌زبانان به شعر و بهره بردن از زبان شعر، لحاظ با سادگی و اختصار در کلام و تفهیم معانی بلند و جامع‌الاطراف بودن دارای ریشه عمیق است و این فارسی از این طریق به ضرب‌المثل‌های فارسی راه یافته و قریب به اتفاق شعرائی که بر آثار ارزشمندشان از ضرب‌المثل استفاده نموده‌اند، اما با توجه به استدلال‌های تمام‌بکار در غالب اشعار و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی حضرت مولانا، مولف گرایش بیشتری به استفاده از آثار این بزرگوار داشته است. پر واضح است که با غنایت به ارسال‌مثل‌های به‌کار رفته در دفتر ششگانه مثنوی شریف، برخی تمثیلات از فراموشی تاریخی رهایی یافته و سیرات زانبدانی برای فارسی‌زبانان رقم خورده است. بهره‌مندی حضرت مولانا از روش‌های سیرا نهاده از ضرب‌المثل، گواهی است بر اینکه نه تنها قوه عاقله مخاطبین مورد توجه ایشان قرار داشته، بلکه عواطف و احساسات آنها نیز مورد نظر قرار داشته است، لذا در اقتراح مخّبان به بدله و ورزیده و این کوشش مسئولانه و قریب به توفیق ایشان در امر تشریح و انتقال معانی و مضامین در به‌کارگیری ضرب‌المثل در مثنوی شریف کاسلاً مشهود است.

نردبان آسمانست این کلام

هر که زین بر می‌رود آید به‌ایام

... و اما ... پرتغال کشوری در جنوب غربی اروپا، غربی‌ترین کشور سرزمین اروپاست و به همراه تنها همسایه‌اش اسپانیا که از مشرق و شمال به آن محدود است، شبه‌جزیره ایبری یعنی پایین‌ترین بخش جنوب غربی اروپا را تشکیل می‌دهد.

این سرزمین را می‌توان دنباله فلات مرتفع مرکزی اسپانیا دانست که هرچه به طرف دریا پیش می‌رود، ارتفاع کم و کمتر می‌شود. سواحل غربی و جنوبی پرتغال را اقیانوس اطلس فرا گرفته و دو مجمع‌الجزایر آزور و مادیرا واقع در این اقیانوس که در جنوب غرب پرتغال قرار دارند نیز جزء سرزمین پرتغال محسوب می‌شوند. پرتغال دو منطقه کلان‌شهری عمده دارد که یکی کلان‌شهر لیسبون در جنوب و دیگری کلان‌شهر پورتو در شمال است. نام کامل پورتو، پورتو کاله به معنی بندر کال‌ها^۱ بوده است و نام پرتغال نیز تلفظی از پورتو کاله است.

در دوران باستان ساکنان سرزمین کنونی پرتغال را اقوام سلتی گالاسی و لوسیثانی تشکیل می‌دادند و این منطقه بعداً بخشی از امپراتوری روم شد و سپس قبایل گوناگون ژرمن نیز به این سرزمین آمدند. سرزمین پرتغال از سده هشتم میلادی در دوره کوتاهی به تصرف اعراب مسلمان درآمد.

ره‌نگاری حکومت استعماری پرتغال که اولین حکومت استعماری دنیاست شامل برزیل، گینه بیسائو، موزامبیک، تیمور شرقی و بخش‌هایی از سرزمین هند بود. در دهه ۱۹۶۰ میلادی به دنبال استقلال بسیاری از کشورهای آفریقایی که پیش از آن مستعمره سایر قدرت‌های استعماری بودند پرتغال با نگرانی، بخش‌های استعماری را بخش‌های جدایی‌ناپذیر خود دانست و این ترتیب، بجاری از این مناطق در حدود پانزده سال برای کسب استقلال مبارزه کردند و سرانجام در سال ۱۹۷۴ این امر به سقوط دیکتاتوری پرتغال منجر شد و سال بعد، کشورهای تحت استعمار پرتغال به جز ماکائو، مستقل شدند.

در سال ۱۴۹۸ میلاد، واسکو دی گاما با عبور از جنوب و شرق آفریقا با کمک یک راهنمای ایرانی‌تبار از بندر موسی بیگ^۲ به هند روانه شد و گزارش مفصلی از اهمیت پارس و هند به دربار پرتغال فرستاد.

پرتغالی‌ها اولین استعمارگرانی بودند که از غرب اروپا به خلیج فارس وارد شدند. پرو دی کوویلیا در سال احتمالی ۱۴۹۸ میلادی از سرزمین ارشی فرستاد و آلبوکرک در سال ۱۵۰۷ میلادی هرمز را اشغال کرد. پرتغالی‌ها از سال ۱۵۰۷ تا ۱۶۲۲ میلادی در خلیج فارس به تجارت مشغول بودند اما به تدریج بر جمعیت و حوزه نفوذشان افزودند و استحکامات نظامی در خلیج فارس تأسیس کردند. آنها در سال ۱۵۱۵ میلادی با تاجران شاه عباس صفوی را برای در اختیار گرفتن هرمز کسب کردند و در سال ۱۵۲۳ میلادی قرارداد میناب به این توافق رسمیت بخشیدند. بنا بر این معاهده باید بحرین و قطیف، راجه‌های عربستان در

^۱ نام قومی سلتی
^۲ در شمال موزامبیک

اختیار ایران در می‌گرفت. در سال ۱۵۲۱ میلادی بدلیل اختلافات آل جابر حاکم بحرین با حاکم هرمز، بحرین به تصرف پرتغال درآمد اما سپاهیان صفوی آنها را از بحرین بیرون راندند. بررسی حضور پرتغالی‌ها در ایران نیاز به مطالعه تاریخ همزمان حکومت‌های استعماری به‌ویژه پرتغال، هند و انگلستان دارد؛ چرا که رقابت‌ها و اختلافات این سه کشور برای سلطه بر اقیانوس هند و دسترسی آسان‌تر به منابع غنی جزایر ملوک و اندو به در سواحل شرقی اقیانوس هند و استیلا بر روابط تجاری آفریقا و آسیا، تاریخ کشورهای حوزه اقیانوس هند از جمله ایران را دستخوش حوادث تاریخی ساخته است.

حتی بیرون راندن پرتغالی‌ها که در تاریخ عالم آرای عباسی به آن اشاره شده است^۱ نیز در راستای همین رقابت‌ها و اختلافات استعماری قرار داشته و یقیناً بدون کمک نیروی دریایی انگلستان به ارتش امام قلی خان امیرالامرای فارس و سردار سپاهیان صفوی، اخراج پرتغالی‌ها توسط صفویان امری دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ پر واضح است که چنین سطحی از مطالعه در این مقال نمی‌گنجد.

از نظر زبانی، پرتغال کشوری یک‌صفت است و زبان پرتغالی در کل کشور پرتغال رایج است، تنها در روستاهای پیرامون میراندا دو دورو گویشی از زبان آستوری به نام گویش میرندی صحبت می‌شود که آن هم از گویش‌های رومی‌تبار است، گویش میراندی در پرتغال به عنوان یک زبان اقلیت رسمیت دارد. زبان پرتغالی که ششمین زبان پر استفاده جهان است و دوازدهم چهار قاره جهان سخنور دارد زبانی رومی‌تبار است و از زبان گالیسیایی-پرتغالی توسعه یافته و در قرون وسطی در پادشاهی گالیسیا به این زبان صحبت می‌شده است. زبان پرتغال ابتدا در شمال غربی اسپانیا و شمال پرتغال به‌وجود آمد و بعدها در تمام سرزمین پرتغال گسترش یافت. زبان پرتغالی در میان خانواده زبان‌های رومیایی بیش از همه دارای واژه‌های هم‌ریشه با زبان عربی است، البته همانند دیگر زبان‌های اروپایی، واژه‌های بسیاری با ریشه لاتین و یونانی در پرتغالی حضور دارند. زبان پرتغالی با لهجه‌ها و

^{۱۱} «از فتوحات که درین سده مبرحه مطهر احدی و ثلثین و الف (۱۰۳۱ قمری) به نیروی اقبال قرین حال اولیا دولت بی‌زوال گردید، فتح هند و هندوستان است که بسعی امام‌قلی‌خان امیرالامرا فارس بوقوع پیوست... و در سال گذشته امیرالامرا (آن روزی که شعر درآورده شد) که بنابر ظهور بی ادبی‌های فرنگیه پرتگالیه مقیم آنجا... امیرالامرا مذکور را بحر بتادیب ایشان فرستده خود نیز متعاقب رفت... در این وقت که فرنگیه پای از دایره سبزه روز نهاده به اموری که بتحریر پیوست اقدام نمودند... جماعت انگلیسی را اخبار نموده ایشان را بر حسب وعده آماده خلعت شدند. قصه امام قلی خان شجاعت شعار با جنود قاهره فارس متوجه آن صوبه گشته خود در بندر گمبرو که الیوم به بندر عباسی موسوم است اقامت کردند و افواج قاهره از دریا با کشتی‌های خاکی عبور نموده داخل جزیره هرمز شدند... قصه بعد از دو ماه و چند روز امتداد ایام و سرحد جنگ و جدال به نیروی دولت و اقبال که همواره قرین حال این دودمان والاست، قلعه رفیع بنیان هموار شد و متانت و حصانت شهره جهان و از کارنامه‌های نادره فرنگیان است، مسخر اولیای دولت بد پیروز گردید... چون خبر فتح هرمز رسید، جناب خانی مورد تحمیین و آفرین شاه و سپاه گردید و آن جناب به اثر بر مبارزان قلعه گشای رکاب همایون مبارک و میمون آمده در همان روز قلعه قدس نیز وفیقه را بکار مفتوح گشت... از هر طرف که چشم گشایی نشان فتح... وز هر طرف که گوش نهی... معرکه تاریخ عالم- آرای عباسی و خامه اسکندر بیگ ترکمان، در صفحه ۹۷۹.

گویش‌های متفاوت در پرتغال، گالیسیا^{۱۲}، برزیل، مجمع‌الجزایر آسور و مادیرا در اقیانوس اطلس، کشورهای آنگولا، سان‌تومه و پرنسپ، کیپ‌ورد، گینه بیسائو و موزامبیک، تیمور شرقی و سرزمین ماکائو در جنوب چین سخنور دارد. زبان پرتغالی امروزه به زبان لاتینی رومی‌ها بیش از سایر زبان‌های اروپایی شباهت دارد. زبان‌های رومی‌تبار یا لاتین شاخه‌ای از زیرخانواده زبان‌های ایتالیک در خانواده زبان‌های هندواروپایی هستند و در این سطح با زبان‌های ایرانی و از جمله زبان فارسی هم‌ریشگی دارند.

پژوهش‌های پارامیولوژیک مطالعه ترانف، توازی، وزن، حذف، مبالغه، شخصیت و ... در ضرب‌المثل‌ها و در بعضی زبان‌ها تکرار آوایی یا سایر ویژگی‌های زبانی ضرب‌المثل‌هاست. امروزه پژوهش‌های پارامیولوژیک حتی به عرصه مطالعات آموزشی، علوم شناختی، شناخت ادیان و مذاهب، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهش‌های قومی^{۱۳} و سایر مطالعات انسان-شناختی وارد شده‌اند. هرچند بسیاری از اندیشمندان این حوزه معتقدان امثال و حکم تبارهای مختلف دارای ارزش‌های قوم‌شناختی منحصر به فرد است اما به اعتقاد والتر گروبرگ و بعضی دیگر از پارامیولوژیست‌ها، بسیاری از امثال و حکم دارای ویژگی‌های همگنی هستند و مطالعه قیاسی آنها کمک شایانی برای آشنایی با ارزش‌های نژادی اقوام مختلف است. امثال، و حکم این کتاب که از نوع پژوهش‌های پارامیولوژیک قیاسی شناخته می‌شود بدون رجه با آنها و گویش‌های متفاوت زبان پرتغالی در قیاس با ضرب‌المثل‌های مجموعه امثال حکم علامه دهخدا^{۱۴} قرار گرفته‌اند. کوشش شده هر جا مطلبی از يك اثر گزیده شده نام پدید آید، ذکر شود اما در نقل برخی مطالب اندک تصرفی به عمل آمده است.

علی اکبر عابدیان کاسگری

^{۱۲} شمال غربی اسپانیا و با لهجه گالیسیا

^{۱۳} *Ethnographic Researches*

^{۱۴} در مجموعه چهار جلدی امثال و حکم علی اکبر دهخدا امثال، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات، استعارات، کلمات قصار، حکم، و پندها از نظم و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه در سال ۱۳۱۰ شمسی مشتمل بر قریب به ۵۰ هزار امثال و حکم، کلمات قصار و ابیات متفرقه منتشر شده است. بخش اعظم مجموعه، ضرب‌المثل‌های اثر کلاسیک قصاید و اشعار، و بخش کمی از مجموعه را ضرب‌المثل‌های عامیانه تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که جمع‌آوری امثال و حکم به گونه‌ای بود که علامه دهخدا نتوانست به رواج و تداول آنها بین علامه توجه خاصی داشته باشد. منابعی که در تنظیم مجموعه مورد استفاده علامه دهخدا قرار گرفته‌اند، در این ضرب‌المثل از "امثال میدانی" مربوط به سده پنجم قمری به زبان عربی، - صد ضرب‌المثل از "مراعه مختصر امثال" چاپ هندومتان، - نزدیک به سیصد مثل از "جامع التمثیل" که در سده ۱۰۰۰ هجری در هندوستان چاپ شده است، - چند امثال از کتاب هندی "شاهد صادق"، - چهل و پنج هزار بیت از شاعران کلاسیک (از جمله پنج هزار بیت از حکیم فردوسی، چهار هزار بیت از سعدی علیه‌الرحمه و هزار و سیصد بیت از مولانا مولوی، و دو هزار و پانصد بیت از نظامی و اسدی طوسی) که بیشتر از این ابیات، شکل‌های گوناگون يك ضرب‌المثل است که هر شاعری به سلیقه خود و با بیانی خاص به نظم در آورده است.